



در جلسه هیأت دولت اعلام شد

افزایش ۳۵۰۰ مگاواتی ظرفیت برق تا هفته آینده

دولت

گروه سیاسی

صبح روز گذشته، جلسه هیأت دولت به ریاست رئیس جمهور مسعود پزنشکیان برگزار شد و در آن، با بررسی گزارش عملکرد و برنامه‌های اجرایی دستگاه‌های مختلف، موضوعات مهمی در حوزه مناسبات اقتصادی با افغانستان، تأمین برق، مقابله با استخراج غیرمجاز رمزارزها، توسعه همکاری‌های بانکی و تجاری با کشورهای عضو بریکس و منطقه و نیز توانمندی‌های صنعت دفاعی کشور مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

در این نشست گزارشی تفصیلی از سفر وزیر جهاد کشاورزی به افغانستان ارائه شد. بر اساس این گزارش، طرف افغانستانی با استقبال از توسعه مناسبات و ارتقای سطح همکاری‌های دوجانبه، آمادگی خود را برای افزایش مبادلات تجاری میان دو کشور اعلام کرده است.

در ادامه، مهم‌ترین موانع موجود در مسیر توسعه همکاری‌های اقتصادی، از جمله مشکلات گمرکی، تردد در گذرگاه‌های مرزی و کندی فرآیند جابه‌جایی کالا مورد بررسی قرار گرفت.

رئیس دولت چهاردهم با تأکید بر اهمیت راهبردی توسعه مناسبات اقتصادی با افغانستان، تصریح کرد که سطح همکاری‌های دو کشور باید فراتر از وضعیت موجود ارتقا یابد و دستگاه‌های اجرایی موظفند با جدیت و رویکرد مساله‌محور، موانع پیش روی تجارت و ترانزیت را برطرف کنند.

وی با اشاره به ضرورت تسهیل تردد ناوگان حمل‌ونقل در مرزها اظهار کرد: «چه دلیلی وجود دارد که کامیون‌ها در مرز دوغارون ۲۰ روز در صف معطل بمانند؟»

خبرهای خوش وزیر نیرو درباره برق در بخش دیگری از جلسه، وزیر نیرو گزارشی از آخرین وضعیت تأمین برق و برنامه‌های توسعه ظرفیت تولید ارائه کرد. بر اساس این گزارش، با افتتاح یک نیروگاه ۵۰۰ مگاواتی و یک نیروگاه ۲۰۰۰ مگاواتی تا هفته آینده، در مجموع ۳۵۰۰ مگاوات به ظرفیت شبکه برق کشور افزوده خواهد شد که نقش مؤثری در کاهش ناترازی برق خواهد داشت. وزیر نیرو همچنین یکی از چالش‌های مهم بخش انرژی را توسعه فعالیت ماینرها و استخراج غیرمجاز رمزارز عنوان کرد و گزارشی از اقدامات مستمر برای شناسایی و مقابله با این فعالیت‌ها ارائه داد.

وی با اشاره به افزایش موارد نصب و بهره‌برداری از تجهیزات استخراج غیرمجاز رمزارز، بر استمرار اقدامات

ظرفی و مقابله‌ای و ضرورت تقویت سازوکارهای شناسایی و پیشگیری از این فعالیت‌ها تأکید کرد. رئیس کل بانک مرکزی نیز گزارشی از حضور در اجلاس بریکس و رایزنی‌های بانک مرکزی این کشور و گفت‌وگو با مقامات و ابراز علاقه کشورهای مختلف برای توسعه همکاری‌ها و تقویت تعاملات اقتصادی و مالی با جمهوری اسلامی ایران خبر داد.

وی همچنین گزارشی از سفر خود به عراق، دیدار با نخست‌وزیر و رئیس شورای عالی امنیت ملی و نشست‌های دوجانبه و چند جانبه با مقامات عراقی ارائه کرد. در این دیدارها، مسائل و موانع پیش روی تجارت ایرانی، یویژه در حوزه صادرات، مورد بررسی قرار گرفته و بر ضرورت پیگیری و رفع مشکلات موجود تأکید شده است.

تأکید پزنشکیان بر حمایت همه‌جانبه از نیروهای مسلح در ادامه جلسه، سرپرست وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح به

مناسبت روز صنعت دفاعی، گزارشی از روند توسعه توانمندی‌های دفاعی و دستاوردهای این حوزه ارائه کرد. در این گزارش، با تشریح ظرفیت‌ها و پیشرفت‌های صنعت دفاعی کشور، بر رشد قابل توجه توانمندی‌های دفاعی طی دو سال گذشته و توسعه ظرفیت‌های فناورانه در حوزه‌های مختلف، از جمله تولید موشک، پهپاد و سایر تجهیزات دفاعی، تأکید شد.

سرپرست وزارت دفاع همچنین نقش حمایت‌های دولت در تقویت زیرساخت‌های دفاعی و توسعه فناوری‌های بومی را تشریح کرد و با اشاره به عملکرد سامانه‌ها و توانمندی‌های دفاعی کشور در مواجهه با حملات گسترده اخیر، این ظرفیت‌ها را حاصل سرمایه‌گذاری مستمر، دانش تخصصی و توانمندی نیروی انسانی کشور دانست.

رئیس جمهور با قدردانی از تلاش‌ها و خدمات مدیران، متخصصان و نیروهای مجموعه وزارت دفاع، بر تداوم حمایت همه‌جانبه دولت از نیروهای مسلح تأکید کرد. پزنشکیان تصریح کرد: «همان‌گونه که در گذشته پشتیبانی کامل از نیروهای مسلح در دستورکار دولت قرار داشته است، این حمایت با وجود محدودیت‌ها و مشکلات موجود نیز ادامه خواهد یافت و دولت در چارچوب مسئولیت‌های خود، برای تأمین نیازمندی‌های نیروهای مسلح و تقویت ظرفیت‌های دفاعی کشور از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد کرد.»

وی تأکید کرد: «حفظ و ارتقای اقتدار دفاعی کشور، تقویت زیرساخت‌های راهبردی و رفع موانع پیش روی فعالیت‌های اقتصادی و تجاری، نیازمند هماهنگی، هم‌افزایی و اقدام مؤثر تمامی دستگاه‌های اجرایی است.»

گزارش

گروه سیاسی

با حکم محسنی اژه‌ای

مدیران جدید قوه قضائیه معرفی شدند



اصغر جهانگیر
رئیس سازمان بازرسی کل کشور شد

رئیس حوزه ریاست قوه قضائیه، علی دانش‌آرماعاون حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه به عنوان رئیس مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه، حجت‌الاسلام والمسلمین نورالله سلطانی معاون قضایی قوه قضائیه، اصغر جهانگیر معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه به عنوان رئیس سازمان بازرسی کل کشور، حیدر آسیابی رئیس کل دادگستری استان گلستان به عنوان رئیس سازمان زندان‌ها، مهدی امیری اصفهانی معاون دادستان کل کشور به عنوان معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، حجت‌الاسلام والمسلمین سید محسن موسوی به عنوان رئیس مرکز حل اختلاف، ناصر عنباتی رئیس کل دادگستری استان آذربایجان غربی به عنوان رئیس کل دادگستری استان تهران و علی کاظمی رئیس پژوهشگاه قوه قضائیه با حفظ سمت به عنوان سخنگوی قوه قضائیه منصوب شدند. حجت‌الاسلام خلیلی درباره تغییر رئیس دیوان عالی کشور نیز اظهار کرد: «تغییر در این جایگاه در حال انجام است، اما این موضوع تابع تشریفات قانونی است و باید ابتدا مشورتی با قضات دادستان و معاونان قضایی صورت گیرد.» معاون اول قوه قضائیه با اشاره به فرآیند



ناصر عنباتی
رئیس کل دادگستری استان تهران شد

بررسی تغییرات مدیریتی در دستگاه قضایی اظهار کرد: «اگر این تغییرات با مقداری تأخیر انجام شد، به دلیل آن بود که یک کار کارشناسی دقیق برای مدت طولانی در دستور کار رئیس قوه قضائیه قرار داشت.»

رؤسای دادگستری ۱۴ استان تغییر می‌کنند

وی در ادامه به تغییرات در سطح صف قوه قضائیه و رؤسای کل دادگستری استان‌ها نیز اشاره کرد و گفت: «در بخش صف که رؤسای کل دادگستری استان‌ها هستند، ۱۴ استان در حال تغییر هستند.» معاون اول قوه قضائیه افزود: «در استان‌ها نیز میزان تغییرات بیشتر از جابه‌جایی‌هاست و از استعدادهایی که سال‌های سال در قوه قضائیه فعالیت کرده و در سمت‌های مختلف انجام وظیفه کرده‌اند، برای این تغییرات استفاده خواهد شد.» معاون اول قوه قضائیه با اشاره به سایر اقدامات تحولی دستگاه قضایی اظهار کرد: «تحول در قوه قضائیه تنها به تغییرات مدیریتی محدود نمی‌شود و در بخش‌های دیگر نیز اقدامات بزرگ‌تری در حال انجام است، به‌ویژه در حوزه سند تحولی و فناوری اطلاعات و بخش‌های مختلف دیگر.»



پزنشکیان: همان‌گونه که در گذشته

پشتیبانی کامل از نیروهای

مسلح در دستورکار

دولت قرار داشته است،

این حمایت با وجود

محدودیت‌ها و مشکلات

موجود نیز ادامه خواهد یافت

ساده‌تر، اگر ندانیم مخاطب چگونه می‌بیند، هرچقدر هم خوب حرف بزنیم، لزوماً خوب فهمیده نمی‌شویم.

از تاب‌آوری به یادگیری

به نظر نگارنده، آینده سیاست ارتباطی ایران، اگر بخواهد از منطق واکنشی عبور کند، باید از «مدیریت بحران» به سمت «یادگیری از بحران» حرکت کند. بحران نباید فقط چیزی باشد که از آن عبور کنیم. باید چیزی باشد که از آن یاد بگیریم. پس از هر جنگ، باید پرسید: جامعه چه چیزی را آموخت؟ کدام روایت‌ها باورپذیر شدند؟ کدام روایت‌ها شکست خوردند؟ کدام گروه‌ها بیشتر آسیب‌پذیر شدند؟ چه کسانی به منابع غیررسمی پناه بردند؟ چه چیزی اعتماد تولید کرد و چه چیزی اعتماد را فرسوده کرد؟ کدام تصاویر در حافظه جمعی ماندند؟ کدام واژه‌ها حساسیت ایجاد کردند؟ و مهم‌تر از همه، کدام تجربه‌ها ظرفیت شناختی جامعه را افزایش دادند؟

این پرسش‌ها، ما را از سیاست‌گذاری براساس حدس و برداشت‌های لحظه‌ای به سمت سیاست‌گذاری مبتنی بر داده و علوم اجتماعی رایانشی هدایت می‌کنند. جامعه امروز را نمی‌توان فقط با نظرسنجی‌های مقطعی شناخت. باید شبکه‌های اجتماعی، الگوهای جست‌وجو، تغییرات هیجانی، رفتارهای ارتباطی، روایت‌های خرد و تغییرات زمانی افکار عمومی را در کنار داده‌های اقتصادی و اجتماعی مطالعه کرد. جامعه یک سیستم زنده است؛ نه یک جدول آماری.

ایران بیش از «ذهن آرام» به «ذهن آماده» نیاز دارد

در شرایطی که مرز جنگ و صلح سیال شده است، شاید یکی از خطرات‌ترین خطاها این باشد که تصور کنیم هدف نهایی باید رسیدن به جامعه‌ای باشد که هیچ اضطرابی ندارد. جامعه سالم الزاماً جامعه بدون اضطراب نیست. جامعه سالم، جامعه‌ای است که اضطراب را می‌فهمد، درباره آن گفت‌وگو می‌کند و اجازه نمی‌دهد اضطراب جای عقلانیت را بگیرد. در چنین جامعه‌ای، صلح نیز به معنای خوابیدن ذهن نیست. صلح باید فرصت بازسازی ظرفیت شناختی باشد و جنگ، اگر رخ داد، نباید به معنای تعطیل شدن عقلانیت باشد.

شاید مسیر درست برای ایران، عبور از «تاب‌آوری منفعل» به «پادشنکدگی فعال» باشد: از جامعه‌ای که فقط تحمل می‌کند، به جامعه‌ای که یاد می‌گیرد؛ از مخاطبی که فقط پیام دریافت می‌کند، به مخاطبی که پیام را تحلیل می‌کند؛ و از سیاست ارتباطی که صرفاً پاسخ می‌دهد، به سیاستی که از پیش ظرفیت شناختی جامعه را تقویت کرده است. در این میان، سه‌گانه میدان، دیپلماسی و ذهن می‌تواند یک چارچوب مهم برای فهم آینده باشد. میدان، امنیت و قدرت سخت را تنظیم می‌کند. دیپلماسی، امکان تبدیل قدرت به توافق را فراهم می‌کند. اما ذهن، تعیین می‌کند که جامعه چگونه این دو را بفهمد، تفسیر کند و براساس آن رفتار کند. نادیده گرفتن هر یک از این سه، تصویر را ناقص می‌کند و شاید مساله اصلی همین باشد. ما شاید بیش از آنکه به جامعه‌ای نیاز داشته باشیم که همیشه «آماده جنگ» باشد، به جامعه‌ای نیاز داریم که آماده فهم جنگ و صلح باشد.

جمله‌ای که بداند آتش بس با صلح یکی نیست؛

نیست؛ پیچیده است و این پیچیدگی، نه تهدید، بلکه واقعیت جامعه مدرن است.

مشکل زمانی آغاز می‌شود که سیاست ارتباطی بخواهد این پیچیدگی را حذف کند. وقتی همه مخاطبان را مجبور کنیم یکی از دو پرسجب را انتخاب کنند، در واقع بخش مهمی از جامعه را از گفت‌وگو خارج کرده‌ایم. مخاطب خاستری، بیش از آنکه نیازمند «اقناع دستوری» باشد، نیازمند اعتماد عمومی به صداقت و کفایت اطلاعاتی محیط ارتباطی خود است.

تاب‌آوری کافی نیست

تاب‌آوری معمولاً به معنای توانایی تحمل فشار، حفظ کارکرد و بازگشت پس از شوک تعریف می‌شود. جامعه تاب‌آور جامعه‌ای است که ضربه می‌خورد، اما فرو نمی‌پاشد؛ بحران را تجربه می‌کند، اما دوباره خود را بازسازی می‌کند. این ویژگی ارزشمند است، اما برای جهان پرابهام امروز کافی نیست؛ چرا؟ چون اگر جامعه فقط بتواند هربار به وضعیت قبلی‌های بازگردد، در بهترین حالت، همان آسیب‌پذیری‌های قبلی را با خود حمل می‌کند. اینجاست که مفهوم پادشنکدگی (نیکلاس طالب، به عنوان یک استعاره تحلیلی، اهمیت پیدا می‌کند. سیستم پادشنکدنده فقط در برابر آشفتنگی مقاومت نمی‌کند؛ از مواجهه با نوسان و فشار در برخی شرایط، ظرفیت بیشتری برای سازگاری پیدا می‌کند.

اگر این مفهوم را به حوزه شناختی منتقل کنیم، پادشنکدگی شناختی یعنی جامعه‌ای که پس از مواجهه با شوک، بحران، (اطلاعات متناقض، شایعه، روایت‌های رقیب و شوک‌های رسانه‌ای، صرفاً به حالت قبلی بازمی‌گردد؛ بلکه توانایی تشخیص، تحلیل، پرسشگری و تصمیم‌گیری خود را ارتقا می‌دهد. جامعه پادشنکدنده، جامعه‌ای نیست که هیچ‌گاه دچار اضطراب نشود؛ جامعه‌ای است که بتواند اضطراب را از تصمیم‌گیری تفکیک کند. جامعه پادشنکدنده، جامعه‌ای نیست که هیچ روایت رقیبی را انبند؛ جامعه‌ای است که بتواند چند روایت را هم‌زمان ببیند، منبع آنها را تشخیص دهد، منافع پشت آنها را بفهمد و میان (اطلاعات، «تفسیر» و «اقتان» تمایز بگذارد.

رسانه دیگر حاشیه میدان نیست

در چنین شرایطی، رسانه را نباید روابط عمومی میدان یا بلندگوی دیپلماسی تلقی کرد. رسانه خودش بخشی از میدان است. در جنگ‌های معاصر، هر فقط گزارش رخداد نیست؛ بخشی از رخداد است. تصویر، تیر، هشتک، ویدیو و حتی سکوت رسانه‌ای، می‌توانند بر ادراک قدرت و ضعف اثر بگذارند. پژوهش‌های جدید درباره ارتباطات دیجیتال در جنگ اخیر نیز نشان داده‌اند که معماری پلتفرم‌های می‌تواند نحوه انتشار و برجسته‌شدن روایت‌ها را تغییر دهد؛ شبکه‌های متفاوت، به‌واسطه ساختار و کاربرانشان، می‌توانند یک پیام واحد را به شکل‌های کاملاً متفاوتی بازتولید کنند. بنابراین، مدیریت روایت دیگر فقط مساله تولید محتوای خوب نیست؛ مساله، شناخت اکوسیستم توزیع محتوا، معماری پلتفرم، رفتار مخاطب و سازوکارهای توجّه است. به زبان

نگاهی به رسالت رسانه و علوم اجتماعی و شناختی در ایران امروز

گذر از «مدیریت بحران» به «یادگیری از بحران»

تحلیل

هومن قاپچی

استاد مدیریت رسانه دانشگاه تهران

حمله بعدی و مصرف مستمر اخبار، در ذهن جامعه باقی بماند. در اینجا باید میان رویداد و تجربه رویداد تفاوت گذاشت. [۱]

موشک یک رویداد فیزیکی است؛ اما انتظار برای موشک، مشاهده تصویر آن، بازنشر خبر آن، تفسیرش در شبکه‌های اجتماعی و مقایسه آن با تجربه‌های قبلی، یک فرآیند شناختی است. به همین دلیل، جنگ فقط در میدان رخ نمی‌دهد؛ بخشی از آن در حافظه، ادراک، هیجان و پیش‌بینی انسان‌ها ادامه پیدا می‌کند. این همان نقطه‌ای است که مفهوم «ذهن» در کنار «میدان» و «دیپلماسی» اهمیت پیدا می‌کند.

میدان، دیپلماسی و ذهن

سه میدان یک منازعه در فقه کلاسیک از منازعه، معمولاً میدان و دیپلماسی دو ساحت اصلی تلقی می‌شوند. میدان، محل اعمال قدرت سخت‌است و دیپلماسی، محل چانه‌زنی، مذاکره و تنظیم روابط. اما در عصر رسانه‌ای و شبکه‌ای، یک میدان سوم نیز شکل گرفته است: ذهن. این میدان نه کاملاً مجازی است و نه کاملاً واقعی. در ذهن انسان‌ها ساخته می‌شود، اما پیامدهای کاملاً واقعی دارد. اگر جامعه‌ای احساس کند که بحران پایان نیافته، رفتار اقتصادی، اجتماعی و رسانه‌ای آن نیز بر مبنای همین ادراک شکل خواهد گرفت؛ حتی اگر در سطح رسمی، آتش بس برقرار شده باشد. از سوی دیگر، ادراک عمومی از یک مذاکره می‌تواند بر خود شایعه، مذاکره اثر بگذارد. روایت شکست یا پیروزی، قدرت یا ضعف، عقب‌نشینی یا انعطاف، تهدید یا فرصت، صرفاً محصول مذاکره نیست؛ بخشی از زمینه‌ای است که مذاکره در آن معنا پیدا می‌کند.

در این معنا، دیپلماسی دیگر فقط گفت‌وگوی معمول مذاکره نیست؛ دیپلماسی، هم‌زمان در رسانه‌ها، پلتفرم‌ها، افکار عمومی و حافظه جمعی نیز بازتفسیر می‌شود.

به همین دلیل، می‌توان گفت در جهان امروز، میدان بدون دیپلماسی ناقص است؛ و ذهن ناقص تر و هر دو بدون فهم رسانه و شناخت تقریباً نابینا هستند.

«نه جنگ، نه صلح»

فرسایش در وضعیت تعلیق «نه جنگ، نه صلح» در ادبیات سیاسی سابقه‌ای طولانی دارد؛ یکی از مشهورترین کاربردهای تاریخی این اصطلاح به موضع لئون تروتسکی در مذاکرات پرست-لیتوفسک در سال ۱۹۱۸ بازمی‌گردد؛ وضعیتی که در آن نه جنگ به شکل معمول ادامه داشت و نه صلح رسمی برقرار شد. اما در جهان امروز، این مفهوم را می‌توان از سطح روابط دولت‌ها فراتر برد و به وضعیت اجتماعی تعمیم داد. جامعه‌ای که مدت طولانی در وضعیت «نه جنگ، نه صلح» زندگی می‌کند، الزاماً آرام نیست. ممکن است خیابان‌ها آرام باشند، اما ذهن‌ها در وضعیت انتظار و آماده‌باش قرار داشته باشند. خبرهای جنگ را دنبال می‌کنند، قیمت‌ها را با احتمال بحران بعدی می‌سنجند، تصاویر ماهواره‌ای و اخبار نظامی را تحلیل می‌کنند و هر حادثه‌ای را در چارچوب احتمال تشدید بحران تفسیر می‌کنند. در چنین شرایطی، مساله فقط «سرس» نیست. مساله، فرسایش شناختی ناشی از عدم قطعیت مزمن است.